

فهرست

سر سخن

وفیات الاعیان ۵-۳

یادی از دو کدشتگان

خدمات استاد احسان یارشاطر به معارف ایرانی و اسلامی / محمود امیدسالار ۱۰-۶
فهرست‌های شاهان هخامنشی در آثار بیرونی و ابن عبری / احسان یارشاطر: ترجمه: نیما جمالی ۱۷-۱۱
ایران‌شناسان و ایران‌دوستان غیرایرانی / احسان یارشاطر: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۳۶-۱۸
استاد ژیلبر لازار (۱۹۲۰-۲۰۱۸) و تحقیقات او در زبان‌های ایرانی / علی‌اشرف صادقی ۴۶-۳۷
خاطراتی از استاد ژیلبر لازار، خدمتگزار راستین زبان فارسی / ژاله آموزگار ۴۹-۴۷
حکایتی به زبان فارسی محلی گیو (منطقه بیرجند) / ژیلبر لازار: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۵۷-۵۰
ملاحظاتی در باب سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس / ژیلبر لازار: ترجمه: ستایش دشتی ۶۱-۵۸
شوقی شرقی در قلبی غربی: نگاهی کوتاه به زندگی، افکار و آثار لئونارد لویسن ایران‌شناس و مولاناپژوه
آمریکایی / مجدالدین کیوانی ۶۹-۶۲
مرگ تن هدیه‌ست بر اصحاب راز؛ یادمانده‌هایی از لئونارد لویسن / الوند بهاری ۷۲-۷۰
شرح حال و آثار محمد شیرین مغربی / لئونارد لویسن ۸۰-۷۳

جستار

داغ باز آوردن؛ تصحیح یک رباعی سنایی / سید علی میرافضلی ۸۳-۸۱
خیام و ترجمه تعلیقات ابن سینا به پارسی / سید حسین موسویان ۸۹-۸۴
از لزومیات ابوالعلاء معری به انتخاب ابن‌السید بطلیبوسی / علیرضا ذکاوتی فراگوزلو ۱۱۰-۹۰
موقوفات محمودشاه مظفری بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر پایه سند مورخ ۷۴۸ق / عمادالدین
شیخ‌الحکمایی ۱۱۸-۱۱۱
آگاهی‌هایی تازه از زندگی نجم‌دایه در نسخه‌ای از تفسیرش، بحر الحقایق، با یادداشتی به خط خود او /
علی صفری آق‌قلعه ۱۲۸-۱۱۹
برگی از تاریخ ۳: سواد نامه امیرنظام به وکیل‌الملک حاکم کرمان و شکایت از یک کاتب و محرر /
محمدجواد جدی ۱۳۱-۱۲۹

نقد و بررسی

مقالات احمد تفضلی / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۴۰-۱۳۲
کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان / بهمن مرادیان ۱۴۶-۱۴۱

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۸)

آثار نوری ابراهیم / نصرالله صالحی ۱۴۹-۱۴۷

بن ابی محمد المظفر، که نوشته که بر اعتراف مخدوم بحق -عزّت انصار دولته- گواه شد. و محمد بن ابی الطیب الشیرازی که نوشته که: اشهدنی المخدوم الأعظم -خُلد مُلکه- علی اقراره بما فی مضمون هذا الكتاب، و غیره من العدول.

ماحصل و قفیه مورّخه به تاریخ تاسع عشر ربیع الاول سنه ثمان و اربعین و سبعمائه آن که:

چون خویشتن بر فترک صاحب دینان بستن علامت سعادت است، بنده ضعیف خواست تا وسیلتی سازد که از این کمال حظّی یابد. بنابراین تقرّب کرد به اعلی حضرت مرشد الخلاق، صدر الملة و الدّین (بالقابه الشریفه) و بیست و پنج لته زمین برنج زار از زمین های دربندان از جمله املاک خاصه حل (?). و بیست و پنج لته دیگر هم از زمین برنج زار از زمین های عمادآباد، هم از خاصه املاک، وقف مصالح زاویه معموره شیخ مشارالیه -لازاله معموره بوجود بانیها- کرد؛ وقف مؤتد مخلد مشروع مسبوق به شرایط، تا حاصل آن سال به سال در سفره صادر و وارد زاویه متبرکه شریفه صرف کنند و ثواب آن به برکت آن حضرت به روزگار این بنده ضعیف و آبا و اجداد این ضعیف در رسد.

طریق مزارعان آن زمین ها، کائنا من کان، آن که این پنجاه لته زمین با حدود و حقوق و توابع و لواحق و مضافات و حقابه و غیر ذلک، وقف زاویه متبرکه دانند، و بهره آن را به راستی بامتصرفان اوقاف زاویه مذکوره جواب گویند تا ایشان آن را به مصروف رسانند. و هر کس در آن امر، سعی دریغ دارد، عند الله در حیز لعنت و سخط باشد.

و بعد از آن نوشته که اسامی و حدود و زمین ها برین وجه است و بیاض گذاشته. بنابراین موازی تفصیل مذکور در کتاب، بیاض گذاشته می شود که چون تفصیل مذکور از میان کاغذپاره ها بیرون آید، ارباب خبرت [را] معلوم شود، نوشته شود.

مشخصات سند

اندازه سند ۱۶/۸ × ۱۱۸/۷ است. یکی از تفاوت های صوری اسناد پیش از صفوی و پس از آن، شکل طوماری اسناد پیش از صفوی است. یعنی اسنادی که طول آنها چندین برابر عرض کاغذ است. به صورت کلی، این اسناد به سه بخش تقسیم

موقوفات محمودشاه مظفری بر بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی بر پایه سند مورّخ ۷۴۸ ق

عمادالدین شیخ الحکامی

پژوهشگر مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران
emad_hokamii@yahoo.com

سندی که در اینجا معرفی و بازخوانی می شود، نسخه اصل و قفنامه ای به تاریخ نوزدهم ربیع الاول سال ۷۴۸ ق است. این سند از مجموعه اسناد بازمانده از بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی است که اکنون در بخش اسلامی موزه ملی ایران به شماره ثبت ۲۵۵۴۵ (شماره ردیف ۱۴۰) نگهداری می شود.

نخستین و تنها اشاره منابع تاریخی به این سند، در صریح الملک عبدی بیگ (تألیف ۹۷۵ ق) دیده می شود.^۱ مبنای تقسیم بندی او در این کتاب، وابستگی جغرافیایی سند است؛ اما او اماکن منقول در سند را شناسایی نکرده است. به همین علت، گزارش او از این سند، بر خلاف روش فهرست وارش، مفصل است. او بخش قابل توجهی از متن سند را نقل کرده است. در ابتدا، نوشته او عیناً در اینجا نقل می شود:

[اسنادی] که اسم الکا و ولایت ذکر نکرده اند:

جـ
و عمادآباد که محمود بن محمد -که یکی از ملوک بوده- وقف کرده و در ذیل و قفیه نوشته که اینقدر زمین که در مکتوب مسطور است، بنده داده است و هیچ آفریده را از فرزندان و غیره، در آن متن نزاعی نه. کتبه العبد محمود بن محمد بخطه. و مُدّیل است این و قفیه به خطوط شهود و از جمله، حسن

۱. شماره ردیف در کتاب فهرست اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، به کوشش نگارنده (کتابخانه مجلس و موزه ملی ایران، ۱۳۸۸).
۲. نسخه ۳۷۱۸ موزه ملی ایران، گ ۱۳۱-۱۳۱ ب.

می‌شوند. بخش بالای متن، جایگاه سَجَل قاضی است که معمولاً در نیمه سمت راست عرض سند به خط توقیع نوشته می‌شود. بخش میانی شامل متن سند و بخش پایانی، که غالباً به اندازه بخش میانی درازا دارد، مختص گواهی‌ها و نام حاضران در محضر عقد است. نخستین یادداشت پس از اتمام متن در این اسناد، نام کاتب متن سند است. این بخش نیز مانند انجامة نسخ خطی، در عرض کمتر از متن و در دو سه سطر نوشته می‌شود. این سنت در اسناد دوره صفوی به بعد دیده نمی‌شود. سند حاضر، متشکل از سه پاره کاغذ است. برخلاف سنت رایج در اسناد که می‌بایست محل اتصال دو قطعه کاغذ (رو یا پشت سند)، امضا (در اسناد قضایی) یا مهر (در اسناد دیوانی) داشته باشد، در محل اتصال، علامتی دیده نمی‌شود. محل اتصال پاره اول و دوم سند، سطری از متن، روی لبه هر دو تکه نوشته شده و این موضوع شاید نداشتن علامت را توجیه کند؛ اما محل اتصال دوم، بدون علامت و توجیه لازم است. در عین حال، حدودی که می‌بایست در این بخش به سیاق عبارات ذکر شود، موجود نیست. بنابراین نخستین احتمال در این حالت، آن است که عمداً بخشی از این سند برداشته شده و مجدداً دو لبه کاغذ به هم چسبانده شده است. کوچک بودن کاغذ میانی نیز می‌تواند شاهدی بر این ادعا باشد.

اثر رطوبت و فرسودگی‌های سند، به ویژه در بخش آغاز سند، خوشبختانه در بخش مرمت موزه ملی در دهه اخیر مرمت شده است.

خط سند، اگرچه تحریری است و خوشنویسانه نیست، اما می‌توان آن را از نمونه‌های نخستین خط نستعلیق دانست. خطی که پیچیدگی‌های خط تعلیق را ندارد، اما برخی از اتصالات خط تعلیق را در بعضی کلمات دارد. سجالات سند به خط تعلیق نوشته شده است. بالای سند، عبارت دیوانی واقف به شیوه طغرای نوشته شده است. نوشته‌های این سند، کلاً فاقد نقطه‌گذاری است. زبان سند نیز فارسی است.

پشت سند حاوی یادداشتی در باره سند است که متأسفانه به علت فرسودگی این بخش، خوانده نمی‌شود. اثر دو مهر نیز بر بخش بالای پشت سند دیده می‌شود. یکی از آن دو بسیار محو است و دیگری، با عبارت «فوضت امری الی الله»، از

جمله دو مهری است که بر پشت یا روی اسناد متعلق به بقعه شیخ صفی، به عنوان تعلق اسناد به بقعه، زده می‌شده است.

واقف، زیر متن سند، متواضعانه خود را «العبد محمود بن محمد» و در متن «این بنده ضعیف» خوانده است. آنچه از ویژگی‌های سند و متن روشن می‌شود آن است که او را می‌توان یکی از امرای این دوره دانست. برخی از مشخصات اسناد دیوانی، مانند طغرای بالای سند، به شیوه امرا و دیوانیان با عبارت «اعتمادی علی الله وحده» نوشته شده است، حال آنکه در اسناد شرعی، در این بخش سَجَل و توقیع قاضی می‌آید. لحن دیوانی سند مانند عبارت «بهره آن را به راستی با متصرفان اوقاف زاویه مشارالیهها جواب گویند» تأکیدی بر این موضوع است. از سوی دیگر، در گواهی‌های سند، کاربرد عبارات «دام ملکه»، «مد عصره» یا «عزت انصار دولته» دلایل روشنی بر امارت واقف است.

محتمل است که واقف، قطب‌الدین محمود فرزند امیر مبارزالدین محمد بن شرف‌الدین مظفر باشد. اگرچه او متولد جمادی الاول ۷۳۷ ق است^۱ و در این تاریخ باید یازده ساله بوده باشد، این احتمال، با شواهد دیگری که در ادامه مقاله می‌آید، می‌تواند تأیید شود. نیز اگر این گمان درست باشد، باید به ابهام دیگری نیز پاسخ داده شود. واقف در یادداشت زیر متن نوشته است که هیچ آفریده‌ای از فرزندان و غیره در این زمین نزاعی نکنند. این عبارت، این مسأله را به وجود می‌آورد که امیر یادشده در این سن، نمی‌توانسته دارای فرزندان بوده باشد. اما با توجه به موضوع وقف املاک، این بیان نوعی پیشگیری از احتمالات آینده است و لزوماً به معنی داشتن فرزند در این زمان نیست.

در باب نوع سند، یادآوری این نکته نیز لازم است که ساختار این سند میان یک سند شرعی (وقف یا اقرار به وقف) و یک سند دیوانی شناور است. ساختار رایج و کامل اسناد شرعی و محضری در این محضر رعایت نشده و، چنان که یاد شد، برخی ویژگی‌های اسناد دیوانی را نیز دارد. با توجه به موضوع سند، یعنی وقف املاک، و نیز کتابت و تأیید یک

۱. محمود کتبی، تاریخ آل مظفر (به اهتمام عبدالحسین نوایی). تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴: ص ۴۱.

شمس‌الدین عبدالغنی بن کمال‌الدین احمد اردبیلی، دست یافت. گواه دیگر این سند، محمد بن ابی‌الطیب شیرازی است که نام او در شمار شاگردان فخرالدین احمد جارّردی ذکر شده است.^۳

شناسایی دیگر گواهان، نیازمند زمان و جست‌وجوی بیشتری است، اما نام برخی از این افراد با نام‌های رایج در خاندان مظفّری مشابهت دارد.

[متن سند]

اعتمادی علی الله وحده

۱/ هوالمادی

۲/ چون خویشتن بر فتراک صاحب‌دینان بستن و در گوشه خاطر / گوشه‌نشینان نشستن، نشان دولت و علامت سعادت است،^۴ بنده ضعیف، خواست تا وسیلتی جوید و حیلتی سازد تا شاید / که از این کمال حظّی یابد یا از این افضال نصیبی رُباید.

بنابراین / تقرّب کرد به جناب اعلای شیخ شیوخ‌الاسلام الأعظم، مُرشد الخلاق / فی العالم، مظهر الحقایق الربّانیه، مظهر الذقایق الصمدانیّه، کشف المشکلات، / حلال المعضلات، مُطاع الملوک و السلاطین، مُقتدی المسلمین / اجمعین، صدر الحق و الملة و الدّین، آدم الله برکات أنفاسه الشّریفة / علی رأس المؤمنین؛

و بیست و پنج لته زمین برنج‌زار از زمین‌های / دربندان^۵ از جمله املاک خاصه...^۵

و بیست و پنج لته دیگر هم / زمین برنج‌زار از زمین‌های عمادآباد هم از خاصه املاک،

وقف / مصالح زاویه معموره شیخ مشارّالیه - لازالت معموره بوجود بانیها - / کرد، وقف مؤبّد مخلّد مشروع مسبوق به شرایط آن و مقرون / به ارکان و واجباتش؛

تا حاصل آن، سال به سال در سفره صادر / و وارد زاویه متبرکه شریفه مشارّالیها صرف کنند؛ و ثواب / آن به برکت

۳. عبدالوهاب سبکی، طبقات الشافعیة الكبرى؛ نقل از: ایران‌ناز کاشیان، مدخل «جارردی» در جلد ۱۷ از دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۴. اصل بی‌نقطه. عبدی بیگ نیز دربندان خوانده است، اما بخش اول را دز و دژ و بخش دوم را بیدان نیز می‌توان خواند.

۵. عبدی بیگ در ابتدای متن، به صورت جبل و در متن حل خوانده است.

قاضی شناخته‌شده، این سند را وقفنامه می‌دانیم. اما در فهرست‌نگاری می‌توان از تعبیر «وقفنامه دیوانی» استفاده کرد؛ چنانکه نگارنده پیشتر نیز از نمونه‌ای از یک مبیعه‌نامه دیوانی سخن گفته است.^۱

رقبات وقف‌شده عبارتند از: ۲۵ لته برنج‌زار از زمین‌های دربندان و ۲۵ لته دیگر از زمین‌های عمادآباد. نام شهر یا ولایتی که این دو موقوفه در آنجا واقع شده است، در سند وجود ندارد (یا از میانه سند برداشته شده است). چنانکه یادشد، این ابهام در سده نهم نیز برای عبدی بیگ وجود داشته است. اما به گمان نگارنده احتمال دارد این موقوفات نه در آذربایجان، بلکه در فارس قرار داشته باشد. نام‌های ذکرشده در حوزه جغرافیایی فارس و کرمان وجود دارد.^۲

مصارف: در متن سند، رقبات یادشده بر زاویه شیخ صدرالدین بن شیخ صفی وقف شده، که در واقع همان آستانه شیخ صفی است. این کاربرد را باید نوعی تسامح دانست. درآمد حاصل از ۲۵ لته یادشده، می‌بایست توسط متصرفان اوقاف زاویه، بر زائران زاویه شیخ صفی‌الدین اردبیلی صرف می‌شد.

اگرچه در متن سند از تولیت وقف سخنی نرفته و تصریحی به نام متولی نشده است، اما استفاده از اصطلاح «متصرفان اوقاف زاویه»، و واگذاری موقوفه به شیخ صدرالدین و آستانه شیخ صفی، موضوع تولیت را حل می‌کند.

کاتب و قاضی سند خود را محمد بن عبدالغنی اردبیلی معرفی کرده است. در مجموعه اسناد اردبیل، دست‌کم ۲۰ سند از او، در مقام کاتب و قاضی، در فاصله سال‌های ۷۳۳ تا ۷۹۵ ق موجود است. از ترکیب اجزای نام او در این اسناد می‌توان به نام و نسب کامل او، یعنی جمال‌الدین محمد بن

۱. عمادالدین شیخ‌الحکامی، «کهن‌ترین مبیعه‌نامه فارسی در ایران (سند مورخ ۴۷۰ ق)» (در: پژوهش‌های ایران‌شناسی (ستودمنامه، دفتر دوم). به‌کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۴): ص ۵۵۹ - ۵۷۰.

۲. دربندان (در بخش رونیز شهرستان استهبان فارس).

عمادآباد فسا (دهستان کوشک قاضی بخش مرکزی شهرستان فسا)، عمادآباد مرودشت (در دهستان رودبال بخش مرکزی شهرستان مرودشت)، عمادآباد بردسیر (در دهستان کوه پنج بخش مرکزی شهرستان بردسیر کرمان)، عمادآباد سیرجان (در دهستان محمودآبادسید، بخش زیبادآباد شهرستان سیرجان کرمان).

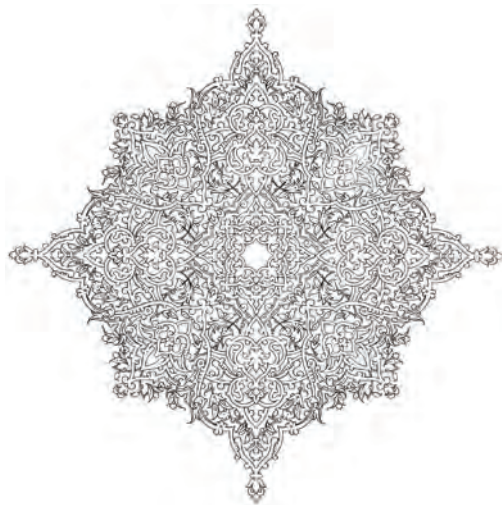
[سجلات]

۱. این قدر زمین که درین مکتوب مسطور است / بنده داده است و هیچ آفریده را / از فرزندان و غیره در این زمین / نزاعی نکنند.^۲
العبد محمود بن محمد، بخطه.
۲. بر اعتراف مخدوم بحق - عزت انصار دولته - / گواه شد؛
العبد الضعیف الاصغر، حسن بن ابی محمد بن المظفر / بخطه.
۳. اشهدنی المخدوم الاعظم - خلد ملکه - علی اقراره / بما فی مضمون هذا الكتاب.
و انا العبد الضعیف / محمد بن ابی الطیب الشیرازی.
حرره / فی التاريخ المذكور حامداً و مصلياً.
۴. و من شهود القضية الامير / تاج الدين ابراهيم بن المرحوم
شهردار / و الامير احمد شاه بن المرحوم محمد شاه /
المعروف بکمان دار.
بر اعتراف ... و مدّ عصره بنده گواه شد.
/ حرّره العبد جلال الدين محمد، بخطه.
۵. بر اعتراف مجد (?) عصره، بنده کمینه / گواه شد.
حرّره العبد / يحيى بن محمد، بخطه.

شیخ مشارالیه - دامت برکاته - به روزگار این بنده ضعیف^{۱۸} و به آبا و اجداد این ضعیف در رسد؛ إن شاء الله تعالی.
طریق مزارعان / این زمین ها نیز، کائناً من کان، آن است که این پنجاه لته زمین با حدود^{۱۹} و حقوق و توابع و لواحق و مضافات و منسوبات و حق آبه و غیر ذلک،^{۲۰} وقف زاویة متبرکه مشارالیها دانند و بهره آن را به راستی^{۲۱} با متصرفان اوقاف زاویة مشارالیها جواب گویند تا ایشان^{۲۲} آن را به مصرف می رسانند.
درین باب اهمال جایز نشمرند. و هر شخص^{۲۳} از اشخاص که سعی او در تمشیت این خیر مدخل داشته باشد،^{۲۴} سعی دریغ ندارد که عندالله تعالی ضایع [نماند].
و طاعن درین خیر^{۲۵} در لعنت و سخط خالق و خلق باشد. فمن بدّله بعد ما سمعه فانما^{۲۶} / اثمه علی الذین یبدّلونه إن الله سمیع علیم.
و تفصیل^{۲۷} / اسامی و حدود زمین ها بدین وجه است:
...
/ و ذلك کلّه جرى بمحضر من العدول فی التاسع عشر من ربيع الاول / سنة ثمان و اربعین و سبعمائه [۷۴۸ق].
و الحمد لله / رب العالمین^{۲۸} / و صلواته علی خیرة رسله^{۲۹} / محمد و آله الطیبین اجمعین.
/ حرّره الفقیر، محمد بن عبدالغنی /^{۳۰} الارديلی.

۲. اصل: نه کنند (بدون نقطه)؛ شاید: نه؛ کتبه. آنگونه که در متن آمد «را» پس از «آفریده» زائد به نظر می رسد.

۱. ذکر نشده، یا با توجه به دوپاره بودن کاغذ سند در این بخش و وجود نداشتن تأییدی سریند، از سند برداشته شده است.



بیت اللہ لحمی

بیت اللہ

۱۷

ہوں جو تیس دنوں سے صاف تباہی میں ہیں اور کوئی طاقت
 کو سہ تیس دنوں سے تباہی میں ہیں اور کوئی طاقت
 نہ صرف جو اسے باور میں ہو نہ وہی ساری تباہی
 کہ لہر کا خطر تباہی تباہی میں تباہی میں تباہی میں
 بعد کہ کما حقہ اللہ تعالیٰ کے اور اللہ تعالیٰ کے
 ۲۰ عالم میں اللہ تعالیٰ کے اور اللہ تعالیٰ کے
 حلال المعصلا معطای الملوک والامم المسلمین
 لعن من صدر الحق واللہ وقرآنہ اور اللہ تعالیٰ کے
 علی راس المؤمنین وبنی لہم من لہم لہم لہم لہم
 درمیان لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم
 میں لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم
 مصالح اور معصومہ شیخ مسیحی اللہ تعالیٰ کے
 کہ وہ معصومہ محمد صریح صریح صریح صریح
 اور لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم لہم

۵۱

۱۰۱

وذلك كله من كرمه من الدور في التاسع من ربيع الاول
سنة ثمان وثلثمائة وثمانين والمحمد
العالم

۳۰/

وصلوا على محمد وآله
محمد وآله الطيبين الطاهرين
عنه الف خير من عشرين
الاصح

۳۵/

لرعاية من در کمال
مدت در صلاح امرای
لرغبت در عبادت و زهد
و رعایت الحدیث و کلام

[سجل ۱]

